

**مانیفست مالیخولیائی "امپراطوری شیعه"**

## حباب رویاهای جنون آمیز بر زمین گرم واقعیات ایران و جهان

رویاهای ماجراجویانه و آلوده به تخیلات اتمی، که آن را جایگزین واقعیت نیاز به اصلاح ساختار نظام حاکم کرده و مجلس و دولت کنونی را برای تحقق آن بر سر کار آوردند، می رود تا چون حبابی در فضای واقعیات ایران و جهان منفجر شود. انفجاری که اگر غفلت کنیم می تواند به قیمتی گران برای کل ایران تمام شود. آن رویاها را هیچکس بدقت و صراحت مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور کنونی و از گردانندگان سازمان امنیت موازی در سال های ریاست جمهوری محمد خاتمی تشریح و بقول آقایان تبیین نکرده است. او در شرایطی که هنوز مجلس ششم برقرار بود و محمد خاتمی نیز از اصلاح پذیری نظام نا امید نشده بود، در مصاحبه که در دی ماه ۸۳ در شماره دوم «ویژه نامه شیعه شناسی» منتشر شد، گفت:

«ظهور اسلام سیاسی به معناس توانا شدن تفکرس نو و تاثیر گذار در حساس ترین منطقه جهانی است؛ منطقه اس که طبق تعبیر برخی از استراتژیست ها، حدود نیمی از ده موضع استراتژیک جهان در آن وجود دارد و آبشخور تمامی تمدن هاس دینی جهان است. شیعه و جغرافیای سیاسی شیعه «قلب خاورمیانه» است. اگر ترکیب فیزیکی و جغرافیایی خاورمیانه را ترسیم کنیم، شیعه در مغز و قلب آن حضور دارد. از این جهت اگر بگویم اسلام سیاسی به جهان شیعه متکی است، تحلیلی واقع گرایانه ارائه داده ایم... در یک طرف پازل (هلال شیعی) کشورهای مسلمان نشین حوزه مدیترانه و در طرف دیگرش ایران قرار دارد. در کانون این پازل عراق قرار دارد. کشورهای دیگر هم هستند، مثل آذربایجان با جمعیت بیش از ۹۰ درصد شیعه و نیز بحرین با جمعیت بیش از ۷۰ درصد شیعه... اگر عراق و ایران که دو کشور بزرگ منطقه هستند مدل موفقی ارائه بدهند، طبیعی است که چه در عراق شیعه یا در عربستان و دیگر کشورهای شیعه نشین، مثل بحرین و چه در کشورهای مثل کویت که نزدیک به ۳۰ درصد شیعه دارد یا در عربستان که گفته می شود بیش از ۱۵ درصد آنها شیعه هستند، یا در پاکستان که ۲۰ درصد آنها شیعه هستند و یا در افغانستان که ۲۵ درصد شیعه دارد، این تحول حادثه ای بزرگ خواهد بود. جامعه بزرگ چهل میلیونی شیعه در هند و نیز زیدیه در یمن را نیز داریم.»

این پایه و مایه آن تفکری است که ترکیب امنیتی- نظامی - تروریستی مجلس هفتم را بنام امام زمان (به تعبیر آیت الله مشکینی) به ملت ایران تحمیل کرد و پس از ۲۷ سال فراز و فرودی که انقلاب ۵۷ را به مرداب نابودی کشاند و تاریخی ترین جنایات و خیانت ها را به آن تحمیل کرد، مرد سودائی و نا متعادل بنام احمدی نژاد را ( به تعبیر مصباح یزدی و احمد جنتی و مشکینی مانند یک معجزه) بر مسند ریاست جمهوری کشور نشاناند. در کشوری که تدبیرگران بزرگش توانستند ایران را از زیر سیطره اعراب بیرون بکشند و آداب، سنت ها و فرهنگ خود را به اسلام اولیه تزریق کنند.

آنچه زیر فشار بحران عمومی جاری در کشور در حال انفجار است، همین حباب تخیلات است و امروز بزرگترین وظیفه ملی همه روشنفکران، آگاهان اجتماعی، میهن دوستان (با هر اندیشه و انگیزه و گرایش سیاسی- حزبی) آنست که اجازه ندهند انفجار قطعی این حباب، به قیمت ویرانی و تکه پاره شدن ایران تمام شود. این اندیشه و تخیل هیچ نوع مبنای زمینی ندارد، چرا که پای آنها روی زمین واقعیت جاری در هیچیک از جوامع و کشورهای یاد شده نیست. در هریک از این کشورها، مناسبات تولیدی، ترکیب طبقاتی، خواستگاه های حکومتی،

سنت ها، فرهنگ، گرایش های مذهبی- قومی- فرقه ای و ده ها و ده ها واقعیت دیگر حاکم است، چنان که همین کشورها می توانند در کنار ارتش خصم و متخاصم به ایران قرار گیرند. این حباب رویائی بی نیاز به تهاجم نظامی به ایران منفجر خواهد شد، هرچند کسانی که آن را در سر دارند، کودکانه و ماجراجویانه، همانند دن کیشوت تصور کنند سلاح اتمی را می توانند به شمشیر فتح جهان رویائی خود تبدیل کنند. با داشتن و یا بدون داشتن سلاح اتمی این حباب آسمانی بر زمین گرم واقعیات خواهد خورد. مهم آنست که ما بتوانیم سد راه آن فاجعه ای شویم که می خواهد به بهانه مقابله با این اندیشه ها، ایران را ویران و تکه پاره کنند. دفاع از صلح و مخالفت با جنگ نه تنها در برابر این اندیشه های مالیخولیائی و ماجراجویانه قرار دارد و فرصت می دهد تا طشت آن، خود از بام واقعیات جهان و ایران فرو افتد، بلکه به مقابله با بهانه جوئی های امریکا و هر قدرت جهانی دیگری برای حمله نظامی به ایران بر می خیزد.